



کشف مؤلفه‌های مسیر تربیتی زنان موفق: یک نمونه پژوهش کیفی

دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

اکرم صادقی دهکردی ^{id}

زهرا یوسفی* ^{id}

هاجر ترکان ^{id}

Z.yousefi1393@khuisf.ac.ir

ایمیل نویسنده مسئول:

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۲

دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۸

فصلنامه علمی پژوهشی
خانواده درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۴۳۰-۲۷۱۷
<http://Aftj.ir>

دوره ۳ | شماره ۱ | پیاپی ۱۰ | ۸۸-۷۳
بهار ۱۴۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

هدف: هدف مطالعه‌ی حاضر کشف مؤلفه‌های تربیتی زنان موفق است. این مطالعه با روش کیفی و به روش تحلیل مضمون (کلارک و بروان، ۲۰۰۶) انجام شد. روش: روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع متجانس ۲۰ بود به این ترتیب که ۱۳ نفر از زنان موفق بر اساس ملاک‌های ورود و خروج انتخاب شدند و مورد مصاحبه قرار گرفتند. ابزار پژوهش مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. یافته‌ها: داده‌های گردآوری شده به کمک تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. پنج مقوله اصلی را نشان داد که عبارت بودند از سبک زندگی خانواده (با خرده مقولات محل سکونت، تفریحات، ارتباطات، تغذیه، الگوی خواب و پوشاک)، تجارب همشیرها (با خرده مقولات تجارب شاد و تجارب ناشاد همشیرها)، ویژگی‌های والدین (با خرده مقولات ویژگی‌های الگومند و ویژگی‌های الگومند، محورهای تربیتی والدین (با خرده مقولات (تأکیدات تربیتی و روش‌های تربیتی) و سبک همسالان (با خرده مقولات وضعیت روانی همسالان، وضعیت مادی همسالان و وضعیت اجتماعی همسالان). نتیجه‌گیری: با توجه به این نتایج می‌توان گفت در مسیر تربیتی زنان موفق مؤلفه‌هایی رخ داده که به آن‌ها کمک کرده است تا در جهت موفقیت حرکت کنند.

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:
درون متن:

(صادقی دهکردی، یوسفی و ترکان، ۱۴۰۱)

در فهرست منابع:

صادقی دهکردی، اکرم، یوسفی، زهرا، و ترکان، هاجر. (۱۴۰۱). کشف مؤلفه‌های مسیر تربیتی زنان موفق: یک نمونه پژوهش کیفی. فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی، ۳(۱) پیاپی ۱۰: ۸۸-۷۳.

کلیدواژه‌ها سبک فرزندپروری، مؤلفه‌های تربیتی زنان موفق، تحلیل مضمون

مقدمه

در سال‌های اخیر در جامعه‌ی ایران زنان موفق شده‌اند تا در عرصه‌های مختلف حضوری توانمند داشته باشند و دوشادوش مردان در موقعیت‌های شغلی موفقیت کسب کنند همچنین برخی از آنان موفق شده‌اند تا در کنار کسب جایگاه اجتماعی در تشکیل و حفظ خانواده نیز موفق باشند. در پژوهش حاضر چنین زنانی به عنوان زن موفق مدنظر قرار گرفتند. بی‌شک این زنان مسیر تربیتی و پرورشی خاصی را طی کرده‌اند که بخش عمده‌ای از آن را در سال‌های کودکی و نوجوانی در خانواده و زیر چتر مسیر تربیتی خانوادگی کسب کرده‌اند. بنابراین یکی از سؤالات مهم آن است که این زنان در مسیر رشد خود چه تجربی در زندگی روزمره تجربه کرده‌اند که در حال حاضر در چنین موقعیتی قرار گرفته‌اند (خلیل الرحمن و یوسفی، ۱۳۹۸). البته در متون موفقیت، پژوهش‌هایی در خصوص موفقیت زنان انجام شده است از جمله چاپلی و زایلیند (۲۰۱۸) به موفقیت زنان در علوم پایه پرداخته‌اند؛ زب (۲۰۱۸) به مطالعه زنان موفق کارآفرین پرداخت و لانگر (۲۰۱۸) نیز به مطالعه ساعت کار منعطف در موفقیت زنان پرداخت، اما مطالعه‌ای داخلی در زمینه مسیر تربیتی زنان موفق که هم در زندگی شغلی موفق‌اند و هم دارای خانواده پایدار هستند نپرداخته است. از سوی دیگر روانشناسی تربیتی سبک فرزندپروری والدین را به عنوان عامل مهم و برجسته در پرورش فرزندان مورد توجه قرار داده است (کوپن و سولمنز، ۲۰۱۹). سبک فرزندپروری بیانگر روابط عاطفی و نحوه‌ی ارتباط کلی والدین با فرزندان است (فلدمن، ۲۰۲۱). بامریند (۱۹۹۱) معتقد بود که شیوه‌های فرزندپروری از دو بعد تشکیل شده است: درخواست‌کنندگی والدین^۱ (کنترل) و پاسخ‌دهندگی والدین^۲ (گرمی یا پذیرش). بامریند از ترکیب این دو عنصر سه شیوه فرزندپروری به وجود آورد که عبارتند از شیوه فرزندپروری مقتدر^۳ (درخواست‌کنندگی بالا و پاسخ‌دهندگی بالا)، شیوه فرزندپروری مستبد^۴ (درخواست‌کنندگی بالا و پاسخ‌دهندگی پایین) و شیوه فرزندپروری آزادگذار^۵ (درخواست‌کنندگی پایین و پاسخ‌دهندگی بالا)؛ وی شیوه چهارمی به نام شیوه فرزندپروری بی‌توجه یا مسامحه‌کار^۶ (درخواست‌کنندگی پایین و پاسخ‌دهندگی پایین) را اضافه کرد (گافر، ۲۱۰۴). پژوهشگران متعددی چهار شیوه فرزندپروری اساسی مبتنی بر دو شاخص اصلی یعنی محبت والدین (پاسخ‌دهی والدین) و کنترل والدین (درخواست‌کنندگی) را طرح‌ریزی کرده‌اند، فرزندپروری مقتدرانه، فرزندپروری مستبدانه، فرزندپروری آزادگذار، فرزندپروری مسامحه‌کار (گارسیا و لویزفرناندز، ۲۰۲۱). همچنین برخی پژوهش‌گران سه بعد از روابط مادران با فرزندان‌شان را پیشنهاد کردند که عبارتند از: بعد استقلال آموزی، بعد تسلط آموزی، بعد مراقبت آموزی (گارسیا و گارسیا، ۲۰۰۹). آدلر نیز در سبک فرزندی پروری صاحب‌نظر است او والدین را به پرورش فرزندان مسئول، مؤثر با علاقه اجتماعی، مستقل‌تر و فعال‌تر دعوت می‌نماید (جونینین، کرن و گیفرورتر، ۲۰۱۵) در حالی که دو رویکرد تربیتی نازپرورده کردن کودک و خودکامگی والدین و مطیع کردن کودک را منع می‌کند چرا که هر دو رویکرد

1. Parental demanding
2. Parental responsiveness
3. Authoritative
4. Authoritarian
5. Permissive
6. Neglecting

نوآوری و مسئولیت‌پذیری را در کودکان تضعیف می‌کند (سعادت‌تی، یوسفی و گل‌پرور، ۱۴۰۰). فرزندپروری مغزمحور^۱ یکی دیگر از سبک‌های فرزندپروری است که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است در این روش نیز تمرکز بر یکپارچه کردن مغز سمت راست و چپ کودک است تا به این ترتیب کودک بتواند با هر دو خود «منطقی» و «عاطفی» اش ارتباط برقرار کند (وال، ۲۰۱۸). همین‌طور این سبک تأکید بر اهمیت پیوند دادن قسمت پایین و غریزی مغز با قسمت بالایی و متفکر مغز دارد تا در نتیجه آن کودک را قادر کند تصمیمات متعادل‌تری بگیرد. (سوت، ۲۰۱۴). که زمینه‌ساز ایجاد ارتباطات سالم اجتماعی در عین داشتن هویتی مستقل است (هوگاس و بایلین، ۲۰۱۲). با توجه به آنچه گفته شد، نقش آشکار این فرزندپروری بهبود رشد اولیه مغز است (مکنزی و روبرتس، ۲۰۱۷). سیلگمن (۲۰۰۷) نیز به معرفی سبک فرزندپروری کودک شاد پرداخت. هدف این روش پرورش کودک خوش‌بین است که در آن چند محور اصلی مورد تأکید قرار می‌گیرد، از جمله: آشنایی با انواع مادران کارآمد و ناکارآمد، پرورش مردان و زنان قوی و اجتماع‌دوست، روش‌های غلط و درست فرزندپروری، نحوه انتقاد و سرزنش کودک، منابع بدبینی، آشنایی با خوش‌بینی، سبک‌های علت‌یابی مشکل و نحوه برخورد با مشکلات و شکست‌های کودک (پنسینتونگ و لکسانسرن، ۲۰۲۰).

تاکنون پژوهش‌هایی در زمینه‌ی اثر حالات مادری بر ویژگی‌های کودکان انجام شده که اثر علی و یا غیر علی حالات مادر را بر کودکان‌شان نشان می‌دهد از جمله: دانشمند و یوسفی (۱۳۹۶) اثربخشی آموزش گروهی اصلاح سبک فرزندپروری بر اساس اصلاح طرح‌واره‌های ناسازگار به مادران بر بهبود مشکلات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی، سلیمی و یوسفی (۱۳۹۶) اثربخشی آموزش سبک‌های فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد بر کاهش اختلالات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی، خلیل‌الرحمن و یوسفی (۱۳۹۸) و مرادی و یوسفی (۱۳۹۶) نیز رابطه حالات والدینی را بر وضعیت روانی فرزندان و سعادت‌تی، یوسفی و گل‌پرور (۱۴۰۰) اثربخشی روش استپ را بر خودکارآمدی والدینی نشان دادند.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود گرچه تاکنون پژوهش‌های چاپ شده‌ای به مطالعه سبک‌های فرزندپروری پرداخته‌اند اما پژوهش چاپ شده‌ای به مؤلفه‌های مسیر تربیتی خانوادگی زنان موفق نپرداخته است همچنین سبک‌های فرزندپروری موجود بیش‌تر بر نقش والدین تأکید دارند و مؤلفه‌های والدینی را در نظر می‌گیرند اما سایر عوامل مؤثر را در نظر نمی‌گیرند. به نظر می‌رسد والدین در طی مسیر تربیت فرزندان خود با سؤالات زیادی روبه‌رو هستند به خصوص در مورد مسائلی که از کنترل آنان خارج است یا کنترل کمی روی آن دارند مانند نقش همسالان و یا ممکن است از بعضی موارد غفلت کنند مانند اثر سبک زندگی آنان بر کودکان و تربیت کودکان‌شان که لازم است در آموزش‌های والدگری مدنظر قرار می‌گیرد نتایج چنین مطالعه‌ای ضمن مشخص‌سازی عوامل مؤثر در مسیر تربیتی خانوادگی یک زن موفق می‌تواند به تدوین بسته بومی فرزندپروری دختران موفق کمک نماید از این رو این پژوهش به این سؤال پاسخ داد:

۱. مؤلفه‌های مسیر تربیت خانوادگی زنان موفق کدامند؟

روش پژوهش

با توجه به اینکه موضوع این پژوهش بررسی مؤلفه‌های مسیر تربیت خانوادگی زنان موفق بود، به این ترتیب این پژوهش از نوع کیفی و از نوع تحلیل مضمون تعمقی بود. این روش زمانی استفاده می‌شود که هیچ نظریه از پیش موجودی وجود ندارد (ویس مرادی، تورنن و بونداس، ۲۰۱۳). در مطالعه حاضر، به این مطلب اذعان شده است که دانش تا حدی در بافت اجتماعی مصاحبه بناسازی می‌شود به این معنا که معنایی که گفتار به دنبال انتقال دهی آن است در گفتگویی که بین مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده شکل می‌گیرد، تولید می‌شود و هم فرستنده و هم گیرنده برای تولید معنا با هم همیاری می‌نمایند. در پژوهش حاضر محیط پژوهش کلیه زنانی بودند که علاوه بر ملاک‌های موفقیت اجتماعی از خانواده نیز برخوردار بودند یعنی در کنار موفقیت فردی (داشتن شهرت در جایگاه شغلی برجسته همراه تحصیلات عالی یا موفقیت در کارآفرینی) به داشتن خانواده نیز اهمیت می‌دادند. پژوهش حاضر که با هدف مؤلفه‌های مسیر تربیت خانوادگی زنان موفق انجام شد از نوع کیفی بود. بنابراین شرکت‌کنندگان پژوهش به شکل هدفمند از بین کسانی انتخاب شدند که بر اساس تعریف عملیاتی محققان در عین اینکه از موفقیت اجتماعی در زندگی شغلی برخوردار بودند زندگی زوجی خوبی را نیز داشتند. به این ترتیب زنانی با تحصیلات عالی و دارای شهرت دز زندگی شغلی یا کارآفرین که زندگی زوجی و خانوادگی مناسبی داشتند انتخاب شدند برای انجام نمونه‌گیری با مراجعه به سازمان‌های مختلف مانند دانشگاه، بانک، آموزش و پرورش و بیمارستان و ارائه مجوز پژوهش از آنان خواسته شد تا زنان موفق و متاهل‌شان را معرفی کنند. و برای مشاغل آزاد از نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شد. انتخاب شرکت‌کنندگان تا اشباع داده‌ها ادامه یافت. اشباع داده‌ها پس از چهار شرکت‌کننده مشاهده می‌شد. با این حال تعداد آزمودنی‌ها تا سیزده نفر افزایش یافت. ملاک ورود به این پژوهش عبارت بودند از تمایل به شرکت در مصاحبه و به خاطر آوردن دوران کودکی و نوجوانی و ملاک‌های خروج عبارت بودند از در حال متارکه زندگی کردن، متقاضی طلاق بودن و یا دچار طلاق عاطفی بودن که با یک مصاحبه بررسی شد.

جدول ۱. ویژگی‌های شرکت‌کنندگان (همگی متأهل و دارای فرزند)

ردیف	نام	جنسیت	مشخصات
۱	نسترن	زن	۳۹ ساله. تحصیلات دکترا- شغل متخصص محیط زیست
۲	کبری	زن	۴۷ ساله. تحصیلات دکترا- شغل هواشناسی
۳	فاطمه	زن	۵۳ ساله. تحصیلات ارشد- شغل فیزیوتراپی
۴	سمیرا	زن	۶۰ ساله. تحصیلات دکترا- شغل استاد
۵	سپیده	زن	۵۷ ساله. تحصیلات دکترا- شغل مددکار
۶	زینب	زن	۴۲ ساله. تحصیلات دکترا- شغل کار درمانگر
۹	نرجس	زن	۵۵ ساله. تحصیلات دکترا- شغل استاد
۱۰	مائده	زن	۳۶ ساله. تحصیلات دکترا- شغل معمار
۱۱	افسانه	زن	۵۱ ساله. تحصیلات دکترا- شغل استاد
۱۲	محبوبه	زن	۴۹ ساله. تحصیلات ارشد- شغل مهندس مکانیک
۱۳	اعظم	زن	۴۶ ساله. تحصیلات دکترا- شغل کارآفرین

ابزار پژوهش

به منظور گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. سؤالات مصاحبه بر اساس تجارب موجود و مرتبط با مسیر تربیت خانوادگی زنان موفق آماده شد و پس از بررسی توسط سه متخصص و یک ارزیابی اولیه در یک مصاحبه مقدماتی مورد استفاده قرار گرفت. عناوین و موضوعاتی که بحث می‌شد یکسان بود و در بردارنده سؤالاتی در مورد تجارب در کودکی بود که توانسته بود بر انتخاب مسیر آنان مؤثر باشد، ویژگی‌های والدین‌شان، فشارهایی که تحمل کرده بودند، تجربه‌های دوستی و نوع زندگی بود. در پایان مصاحبه، از شرکت کننده‌ها درخواست می‌شد تا اگر مطلب دیگری را دوست داشتند بیان کنند تا مطلب مهم دیگری از قلم نیافتد. با این حال سؤالات اجباری نبودند و شرکت کننده‌ها می‌توانستند به هر کدام از سؤالات که تمایل دارند پاسخ دهند. همه مصاحبه‌ها ضبط می‌شد. از آنجایی که زبان بدن گاه در درک معنای گفتار شرکت کننده‌ها مهم است، تصمیم بر آن شد تا چنانچه حرکت بدنی معناداری رخ داد نگاشته شود. علاوه بر ضبط صدا، یادداشت برداری نیز صورت گرفت. کار دیگری که برای درک صحیح گفته‌های شرکت کننده‌ها صورت می‌گرفت این بود که غالباً گفته‌های آن‌ها به طور خلاصه بازگو می‌شد و از آن‌ها خواسته می‌شد تا صحت درک گفته‌های‌شان را تأیید کنند. مصاحبه‌ها در محیط دلخواه شرکت کنندگان مانند مرکز مشاوره، محل کار یا کافه و محل زندگی انجام شد. مدت زمان طول کشیدن آن‌ها نیز بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه بود.

تهیه رونوشت‌ها

مواد و مطالبی که مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت عبارت بود از رونوشت‌های حاصله از مصاحبه‌ها و یادداشت‌های برداشته شده در خلال یا بعد از مصاحبه‌ها. به منظور اطمینان از این که رونوشت‌ها منعکس کننده متن نوشته شده باشد، مصاحبه‌ها کلمه به کلمه واریسی شد. بعد از خوانش نخست، مطالب رونوشت برداری شده با مواد ضبط شده تطبیق داده شد. علاوه بر این کار رونوشت برداری هرچه سریعتر بعد از اتمام مصاحبه‌ها صورت گرفت تا مطالب بیان شده در مصاحبه‌ها و زبان بدن شرکت کننده‌ها بهتر به یاد آورده شود. این تمهیدات به دلیل بحث و منازعاتی صورت گرفت که حول رونوشت برداری از محتوی بیان شده وجود دارد. بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که تبدیل گفتار به متن مکتوب در بردارنده یک بناسازی (مجدد) است تا نسخه برداری مستقیم. رونوشت برداری کلمه به کلمه، و بلافاصله بعد از اتمام مصاحبه‌ها در تلاش برای اطمینان از انطباق هر چه بیشتر گفتار شفاهی به متن مکتوب بود.

اعتبار پژوهش

جهت افزایش صحت و استحکام داده‌ها از ارزیابی مقبولیت^۱، انتقال‌پذیری و تناسب^۲، تصدیق و تأیید^۳، و اطمینان و اثبات^۴ استفاده شد (پولیت و بک، ۲۰۰۶). برای ارزیابی مقبولیت داده‌ها، نتایج تجزیه و تحلیل به سایر اعضا تیم تحقیق ارائه و از نظرات تکمیلی و انتقادی آنان استفاده شد. همچنین متن دست‌نوشته

1. Credibility
2. Transferability
3. Conformability
4. Dependability

مصاحبه‌ها و درون‌مایه‌های استخراج‌شده در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت تا بررسی کنند آیا متن مصاحبه و درون‌مایه‌ها، انعکاس تجارب آن‌ها است یا خیر. برای افزایش انتقال‌پذیری و تناسب، نمونه‌های متناسب یعنی زنان موفق دارای خانواده برای شرکت در مطالعه انتخاب شدند، مشارکت‌کنندگان و مراحل مطالعه به‌خوبی توصیف و امکان بررسی مستندات مطالعه فراهم گردید. جهت تصدیق و تأیید یافته‌ها از دو صاحب‌نظر در زمینه پژوهش‌های کیفی و روانشناسی درخواست شد گزارش‌ها و دست‌نوشته‌ها را مرور کرده، یافته‌های خود را بیان کنند تا میزان تشابه در نتیجه‌گیری‌ها مشخص شود. برای کمک به اطمینان و ثبات، داده‌ها در اختیار دو پژوهشگر دارای تجربه در زمینه مطالعات کیفی که ارتباطی با پژوهش نداشتند قرار گرفت تا مشخص شود که آن‌ها نیز به همان نتایجی که محقق دست یافته می‌رسند یا خیر.

یافته‌ها

در این پژوهش جنسیت همه شرکت‌کنندگان زن بود و میانگین سنی آنان ۳۹/۸ سال بود. به منظور تحلیل داده‌ها و با توجه به اینکه روش پژوهش تحلیل مضمون بود از روش شش مرحله‌ای براون و کلارک (۲۰۰۶) به شرح زیر استفاده شد: (۱) آشنا شدن با داده‌ها، (۲) تولید کدهای اولیه، (۳) جستجوی مقوله‌ها، (۴) بررسی مقوله‌ها، (۵) تعریف و نام‌گذاری مقوله‌ها و (۶) آماده‌سازی گزارش.

این مطالعه از یک شیوه موسوم به درون‌مایه محور یا تحلیل مقوله محور بهره جسته است. که به آن تحلیل مضمون (درون‌مایه‌ای) می‌گویند. این پژوهش یک نوع از تحلیل استقرایی را گزارش می‌کند. یعنی بر تجارب پاسخگویان تمرکز داشت و مطالعه بر اساس اصول مربوط به پژوهش‌های استقرایی استوار می‌گردد. افزون بر این، تحلیل یک رویکرد معنایی را در پیش گرفت یعنی مضامین از روی «معانی آشکار یا سطحی داده‌ها» شناسایی شده است (براون و کلارک، ۲۰۰۶). جدول ۲ نتایج این تحلیل را نشان می‌دهد.

جدول ۲. مقوله‌بندی مرتبه اول، سازمان دهنده و هسته‌ای

مقوله‌بندی مرتبه اول	مقوله‌بندی سازمان دهنده	مقوله‌بندی هسته‌ای
زندگی در محله لاکچری	محل سکونت	
زندگی در یک خانه قدیمی		
نداشتن اتاق مجزا		سیک زندگی
داشتن همسایه‌های متمول		
رفتن به دهات هر هفته	تفریحات	
رفتن به مسافرت سالی یک‌بار		
داشتن اسباب‌بازی‌های محدود		
دوره‌می‌های خانوادگی		
بازی با همسالان به شکل محدود		
بازی به تنهایی		
رفتن به پارک به شکل گه‌گاه		

قصه‌گویی والدین	
ارتباطات	ارتباط با خانواده گسترده ارتباط محدود و بسته با همسالان همراهی پدر و مادر در بیشتر موارد زندگی فصلی با پدر بزرگی و مادر بزرگ
تغذیه	استفاده از مرغ و گوشت در حد اندک خوردن غذاهای عالی در حد سالی یک‌بار خوردن میوه‌های خارجی در حد سالی یک‌بار عدم توانایی تهیه تنقلات در منزل میوه و سبزیجات در حد اندک ساعت تغذیه
الگوی خواب	خوابیدن از ساعت نه و نیم شب بیدار شدن از خواب از ساعت شش صبح
پوشاک	تهیه لباس سالی یک‌بار پوشیدن لباس خواهرهای بزرگتر نداشتن لباس شیک نداشتن لباس گران‌قیمت
تجارب شاد همشیرها	ازدواج همشیرها موفقیت همشیرها کمک درسی همشیرها
تجارب همشیرها	اختلافات با همشیرها غم و غصه‌های همشیرها
ویژگی‌های والدین	داشتن پدر سخت کوش داشتن پدر و مادر آینده‌نگر داشتن پدر و مادر مؤمن داشتن پدر و مادر دلسوز برای دیگران داشتن مادر اهل ریسک و پرتلاش
ویژگی‌های والدینی مؤثر بر موفقیت	داشتن پدر و مادر منضبط داشتن پدر و مادر منضبط
محورهای تربیتی والدینی	تأکید بر انجام نقش‌های جنسیتی تأکید بر تفاوت‌های جنسیتی

	نظارت بر روابط با جنس مخالف تأکید بر نوع دوستان تأکید بر مدیریت پول تأکید بر کنار گذاشتن عادات غلط تأکید بر احترام به بزرگسالان تأکید بر نظم تأکید بر ساعت خواب و بیداری تأکید بر به جا آوردن مناسک دینی تأکید بر عدم مداخله در امور غیر مرتبط
	تأکید بر تبعیت از والدین تأکید بر انتخاب بهترین مدارس تأکید بر پیشرفت تحصیلی تأکید بر مشورت کردن
روش‌های تربیتی	سرزنش کردن تنبیه بدنی بسیار اندک حمایت کردن تشویق کردن معرفی الگو مقایسه کردن قصه‌گویی بیان استعاره مهربانی کردن انتظارات بالا
سبک همسالان	شاد بودن پرتلاش بودن موفق در پیشرفت تحصیلی
	پولدارتر بودن خانواده همسالان داشتن وسایل زندگی بهتر در بین همسالان تغذیه بهتر همسالان در مدرسه
وضعیت روانی همسالان	پایبندی متوسط همسالان به ارزش‌ها داشتن همسالان طرد کننده به علت شرایط اقتصادی داشتن دوستان موفق از نظر تحصیلی
وضعیت اجتماعی همسالان	

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود پنج مقوله اصلی عبارت‌اند از سبک زندگی خانواده (با خرده مقولات محل سکونت، تفریحات، ارتباطات، تغذیه، الگوی خواب و پوشاک)، تجارب همشیرها (با خرده مقولات تجارب شاد و تجارب ناشاد همشیرها)، ویژگی‌های والدین (با خرده مقولات ویژگی‌های الگومند و ویژگی‌های مؤثر بر موفقیت فرزند)، محورهای تربیتی والدین (با خرده مقولات تاکیدات تربیتی و روش‌های تربیتی) و سبک همسالان (با خرده مقولات وضعیت روانی همسالان، وضعیت مادی همسالان و وضعیت اجتماعی همسالان). با توجه به این نتایج می‌توان گفت در مسیر تربیتی زنان موفق مؤلفه‌هایی رخ داده که به آن‌ها کمک کرده است تا در جهت موفقیت حرکت کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش شناسایی چستی مؤلفه‌های تربیتی زنان موفق بود و نتایج پنج مقوله اصلی را در مسیر تربیتی این زنان نشان داد. تاکنون پژوهش‌هایی در زمینه‌ی نقش والدین بر ویژگی‌های کودکان انجام شده که اثر علی و یا غیر علی حالات مادر را بر کودکان‌شان نشان می‌دهد از جمله: دانشمند و یوسفی (۱۳۹۶) اثربخشی آموزش گروهی اصلاح سبک فرزندپروری بر اساس اصلاح طرح‌واره‌های ناسازگار به مادران بر بهبود مشکلات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی، سلیمی و یوسفی (۱۳۹۶) اثربخشی آموزش سبک‌های فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد بر کاهش اختلالات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی، شریعتی، اشرفی و فتحی‌آشتیانی (۱۳۹۵) اثربخشی آموزش فرزندپروری مثبت بر تغییر نگرش به کودک آزاری و کاهش بدرفتاری با کودکان، جانز (۲۰۱۴) اثربخشی برنامه‌ی گروهی فرزندپروری مثبت بر پیامدهای بین والدین و کودک را نشان دادند، سعادت، یوسفی و گل‌پرور (۱۴۰۰) اثربخشی روش استپ را بر خودکارآمدی والدینی نشان دادند اما پژوهشی به مؤلفه‌های تربیتی زنان موفق نپرداخته است که بتوان همسویی یا ناهمسویی نتایج را بررسی کرد. از سوی دیگر پژوهش‌هایی به مطالعه زنان موفق از نظر شغلی پرداخته‌اند از جمله چاپلی و زایلند (۲۰۱۸) به موفقیت زنان در علوم پایه پرداخته‌اند؛ زب (۲۰۱۸) به مطالعه زنان موفق کارآفرین پرداخت و لانگر (۲۰۱۸) نیز به مطالعه ساعت کار منعطف در موفقیت زنان پرداخت، اما مطالعه‌ای داخلی در زمینه مسیر تربیتی زنان موفق که هم در زندگی شغلی موفق‌اند

در تبیین مخلفه تربیتی سبک زندگی ابتدا باید گفت علت انتخاب این مقوله در تحلیل داده‌ها این بود که این زنان در پاسخ به سؤالات مصاحبه به مباحثی اشاره کرده بودند که نشان می‌داد آنان در تنظیم موضوعات رفاهی و امکاناتی زندگی، تجاربی در روش زندگی داشتند که شامل مقوله‌های سازمان‌دهنده (۱) محل سکونت، (۲) تفریحات، (۳) ارتباطات، (۴) تغذیه، (۵) الگوی خواب و (۶) پوشاک می‌شد. مقوله سازمان‌دهنده سکونت نشان داد پراکندگی در نوع محل سکونت بالاست اما همه آنان از حداقل‌هایی برخوردار بودند که در پاره‌ای از موارد ایده‌آل و در برخی موارد درجه یک نبود اما سخت و دشوار نیز نبود بنابراین میزان سختی که این زنان در زمینه محل سکونت تجربه کرده بودند آن‌قدر زیاد نبود که برای آنان در طی مسیر رشد باعث اضطراب شدید بشود. مقوله سازمان‌دهنده دیگر در این مقوله هسته‌ای ارتباطات بود که نشان داد این زنان در زندگی خود نوعی خاصی از ارتباطات را تجربه کرده بودند در دوران رشد منزوی نبوده‌اند خانواده و فامیل از همه گسسته نبودند و دارای ارتباطات مناسب بودند به نظر می‌رسد موفقیت والدین در کودکی آنان

خزانه برقراری ارتباطات در بزرگسالی را برای آنان نیز قوی کرده است برای مثال یکی از شرکت کنندگان می‌گوید: «من در خانواده‌ای زندگی می‌کردم که با عمه‌ها و عموها و خاله‌ها و دایی‌ها و دوستان ارتباط داشتیم و تقریباً بهم خوش می‌گذشت» همچنین نتایج نشان داد ارتباط با همسالان نظارت شده بوده است؛ تفریحات مقوله‌ی سازمان‌دهنده‌ی دیگر در این مقوله هسته‌ای بود که نشان می‌داد پراکندگی نوع تفریحات در این زنان در دوران رشد متفاوت بوده است اما در عین حال زندگی برای آنان کسل کننده نبوده است و والدین به این بخش زندگی نیز اهمیت می‌داده‌اند یکی از شرکت کنندگان می‌گوید: «من چون پدر و مادرم اصالتاً متعلق به روستا بودند هر هفته می‌رفتیم به روستا و این یک تفریح دائمی ما بود و من از این تفریح لذت می‌بردم و از اینکه آخر هفته برم ده تموم هفته خوشحال بودم» در عین حال تفریحات بی‌رویه نبوده‌اند و از الگوی قابل پیش‌بینی پیروی می‌کردند برای مثال یکی از شرکت کنندگان می‌گوید «ما خیلی پولدار نبودیم که بتونیم زیاد مسافرت بریم ولی حتماً سالی یک‌بار را به سفر می‌رفتیم» نکته مهم در این بخش این است که تفریحات خواسته یا ناخواسته نظارت شده، برنامه ریزی شده و منبع محرکی برای یادگیری و آموزش بوده است. تغذیه مقوله‌ی سازمان‌دهنده دیگر در این مقوله هسته‌ای، نشان می‌دهد که پراکندگی تغذیه در بین این افراد زیاد است و این‌گونه نبوده است که همه این زنان موفق از تغذیه بسیار خوب یا دلخواهی در دوران کودکی و نوجوانی برخوردار باشند و حتی برخی از انواع تغذیه مانند تنقلات در سبد غذایی آنان نبوده است هرچند که برخی از آنان تغذیه‌های بسیار خوب داشتند. برای مثال یکی از شرکت کنندگان می‌گوید: «واقعاً یادم نمی‌آید مادرم چی می‌پخت فقط یادم می‌آید وقتی مرغ می‌پخت خیلی خوشحال میشدم» به هر حال تغذیه نیز در سبک زندگی این زنان از الگوی منظمی پیروی می‌کرده است برای مثال یکی از شرکت کنندگان می‌گوید «شیش و نیم صبح بیدارم می‌کردن و سر ۷ صبح یه صبحانه ساده داشتیم و ۷ شب غذا می‌خوردیم ناهار هم از ساعت ۱۲ تا یک غدامون ساده بود ولی سرساعت یه چیزی بود»؛ الگوی خواب دیگر مقوله سازمان‌دهنده در سبک زندگی دوران رشد این زنان بود که نشان می‌داد خوابیدن نیز در بین آنان از الگوی منظم و مؤثر در تلاش‌گری پیروی می‌کرده است برای مثال «ما شب زود می‌خوابیدیم و زود هم بلند میشدیم کلا برنند خانوادگیمون سحرخیزی بود». پوشاک مقوله سازمان‌دهنده دیگر در سبک زندگی بود این مقوله نشان داد نوع پوشاک هم در این زنان از پراکندگی برخوردار است ولی هیچ یک اضطراب پوشاک و لباس نداشته‌اند یکی از این زنان می‌گوید: «خیلی دلم می‌خواست لباس داشته باشم سالی یک‌بار لباس میدوختن برام و معمولاً لباس خاصی نداشتم و سالی یک‌بار هم مانتو و شلوار مدرسه و یک کیف» یا «من لباس خاصی نداشتم و معمولاً لباس‌های خواهرم را برای مهمونی می‌پوشیدم» به نظر می‌رسد سبک زندگی افراد به گونه‌ای بوده است که کمک کرده تا هوش هیجانی و استقلال خوبی را کسب کنند که به آنان کمک کرده هم در ساختار خانواده و هم در محیط شغلی رشد و بالندگی داشتند این یافته با یافته جرمستیپارست (۲۰۲۰) که نشان داد زنان موفق از هوش هیجانی و استقلال خوبی برخوردارند همسو است؛ همچنین یافته‌های کاملاساری و لوکوینتو و پانونومو (۲۰۲۱) نیز نشان داد حمایت خانوادگی و تجارب محیطی به گونه‌ای بودند که زنان موفقیت را طی کرده‌اند.

عامل مؤثر دیگر در مسیر تربیتی موفقیت زنان، ویژگی‌های والدین بود، علت انتخاب این عنوان آن بود که والدین این زنان صفاتی داشتند که برای فرزندشان گنجینه‌ای شده بود برای الگوگیری و جهت‌گیری به

سوی موفقیت. مقوله‌های سازمان‌دهنده در این مقوله هسته‌ای عبارت بودند از: (۱) والدین الگو و (۲) ویژگی‌های والدینی مناسب برای موفقیت فرزند. این مقوله شامل این مقوله‌های پایه‌ای بود: تلاش‌گری «مادرم از صبح زود از خواب پا می‌شد معلم بود ناهار را درست می‌کرد، ظهر می‌بومد خونه مشغول فعالیت می‌شد رو درس ما نظارت داشت، پدر بزرگ و مادربزرگم شهرستان زندگی می‌کردند و هر چند یک‌بار میرفتیم اونجا یا اونا می‌بومدند و مادرم خیلی خوب زندگی را می‌چرخوند، شیرینی خوب می‌پخت و همین‌طور کیک تقریباً هیچی از بیرون نمی‌خرید از این جور چیزا...» «پدرم بعد از بازنشسته شدن رفت حسابدار به کارخانه شد کارخانه دو ساعت راه بود از اصفهان ساعت شش می‌رفت سرکار ساعت شش عصر می‌بومد خونه تا جایکه جون داشت کار می‌کرد بعد هم که در کارخانه کارش تموم شد حسابدار یک کارخانه در اصفهان شد» مادر اهل ریسک، تدین والدین، دلسوز برای دیگران، آینده‌نگری همگی از جمله ویژگی‌های والدین بود که در خزانه رفتاری این زنان نیز ممکن بود وجود داشته باشد. مقوله‌ی سازمان‌دهنده دیگر ویژگی‌های والدینی بود که برای موفقیت فرزندشان مؤثر بود این مقوله شامل این مقوله‌های پایه‌ای بود: منضبط بودن (پدر و مادرم نظم داشتند هر کاری سر زمان خودش انجام می‌شد این نظم زندگی ما را قابل پیش‌بینی می‌کرد و ترس و دلهره‌های ما را کم می‌کرد» اقتدار (مدل پدر و مادرم این بود که هر دو آدم‌های مصمم و با اراده‌ای در تصمیم‌هایشان بودند و ما روی تصمیمشان نمی‌شد اقدامی بکنیم». این نکته به اهمیت ویژگی‌های والدین بر بهزیستی و رشد عزت نفس و خودکنترلی فرزندان اشاره دارد که می‌تواند از طریق یادگیری مشاهده‌ای برای فرزندان رخ دهد در واقع این زنان در زندگی خود والدینی داشته‌اند که در تنظیم زندگی روزمره موفق بوده‌اند و در نتیجه این ویژگی را در فرزند خود پرورش داده‌اند و باعث شده‌اند تا آنان در مسیر موفقیت قرار گیرند. این یافته با یافته چینگ و تاک (۲۰۱۷) که نشان دادند ویژگی‌های والدین با خودنظمی و عزت نفس فرزندان ارتباط معنادار همسو است. بتول (۲۰۲۰) نیز در همین راستا نشان داد که ویژگی‌های مثبت والدینی با عزت نفس و رشد تحصیلی فرزندان فراهم می‌کند. مرادی و یوسفی (۱۳۹۶) نیز نشان دادند حالات مثبت مادر با بهبود عملکرد اجرایی کودکان مرتبط است. یافته‌های این پژوهش نیز مؤید همین نکته است.

دیگر مقوله‌های هسته‌ای در تربیت این زنان، محورهای تربیتی والدین این زنان بود علت انتخاب این عنوان آن بود که این زنان والدینی داشتند که در زمینه تربیت تأکیدات و فنون خاصی را استفاده می‌کردند که شامل مقوله‌های سازمان‌دهنده (۱) تأکیدات تربیتی، (۲) فنون تربیتی برای موفقیت فرزند می‌شد. مقوله‌ی سازمان‌دهنده تأکیدات تربیتی شامل این مقوله‌های پایه‌ای بود: تأکید بر انجام نقش‌های جنسیتی، «مادرم و هم پدرم از ما انتظاراتی مطابق با جنسیتمون داشتند انتظاراتی مثل اینکه من خونه را تمیز کنم و برادرم را موظف می‌کردند دیوارها را بشوره به من تأکید می‌کردند بلند نخند و به برادرم تأکید داشتند باید کارهای سنگین را انجام بده» تأکید بر تفاوت‌های جنسیتی، تأکید بر نظارت بر رابطه با جنس مخالف، تأکید بر نوع دوستان، تأکید بر مدیریت پول، تأکید بر کنار گذاشتن عادات غلط «هم مادرم و هم پدرم خیلی روی عادات غلط تأکید داشتند مثلاً مادرم می‌خواست که قوز نکنم ول کنم نبود» تأکید بر احترام به بزرگسالان «احترام به بزرگتر در خانه ما به سنت که دست به دست میشه و روش تأکید میشه و واقعا بزرگتر برامون حائز

اهمیت‌ها» تأکید به نظم، تأکید بر ساعت خواب و بیداری و تأکید بر به جا آوردن مناسک دینی، تأکید بر عدم مداخله «مدل پدر و مادر» این بود که ما را وارد مسائل غیر مرتبط نمی‌کردند و مادرم می‌گفت هیچی نگو و ایسا و نگاه کن» تأکید بر تبعیت از والدین «ما اجازه نداشتیم بدون مشورت با پدر و مادر کاری کنیم و در نهایت هرچی میگفتند تبعیت می‌کردیم» تأکید بر انتخاب بهترین مدارس، تأکید بر پیشرفت تحصیلی، تأکید بر مشورت کردن. مقوله‌ی سازمان‌دهنده فنون تربیتی نشان داد والدین این زنان از انواع فنون تربیتی استفاده می‌کردند؛ که این مقوله شامل مقوله‌های پایه‌ای زیر بود: سرزنش کردن «اگر یک کار اشتباهی می‌کردم خیلی غر می‌زدن من خودم خیلی از غر و نق ناراحت میشدم واقعیتش رعایت می‌کردم مبادا بعد ولم نکنن» تنبیه بدنی بسیار اندک، حمایت کردن «مادرم به خصوص در استرس حتی اگه اشتباه از من بود پشتم را خالی نمی‌کرد و همیشه هوام را داشت هرچند دعوا می‌کرد ولی می‌گفت غصه نخور بعد از بحران دوباره انتظاراتش را بالا می‌برد» تشویق کردن، معرفی الگو «مادرم همیشه الگوهای منفی و مثبت را معرفی می‌کرد مثلاً می‌گفت سعی کنید بلند حرف نزنید و بعد برام مثال می‌زد که به اطرفیان نگاه کن اونایی که داد زدن بین حالا کجان» مقایسه کردن، قصه‌گویی «من فکر می‌کنم قصه‌هایی که در کودکی برام می‌گفت خیلی تو زندگیمون مؤثر بود و واقعا سمت و سو را برام تعیین کردند و تو تصمیمات زندگی برام الهام بخش بودند» استعاره سازی «مادرم استاد استعاره سازی بود برای هر مشکلی یه استعاره داشت و استعاره‌ها مرا به تفکر و میداشت» انتظارات بالا «انتظاراتشون بالا بود به کم راضی نبودند همیشه میگفتند از تو بیش از این‌ها انتظاره و عذر و بهونه را قبول نمی‌کردند هرچند من اذیت نمی‌شدم». به نظر می‌رسد این‌گونه شیوه‌های تربیت باعث شکل عملکرد اجرایی و خودتنظیمی مناسب در این دختران شده که به آنان کمک کرده تا در زندگی خانوادگی و شغلی خود موفق باشند. این یافته با یافته گو و همکاران (۲۰۱۸) که نشان دادند شیوه‌های تربیتی والدین در زمینه انتظارات از فرزندان و مشارکت با فرزندان با پیشرفت فرزندان رابطه معنادار دارد همسو است. همچنین با یافته تاپ، لیو و لو (۲۰۱۷) که نشان دادند نظارت بر امور فرزندان با موفقیت آنان رابطه دارد نیز همسو است.

مقوله هسته‌ای دیگر وجود همشیره‌ها در زندگی این زنان بود که نشان می‌داد این زنان دارای همشیره‌های بودند که تجاربی شاد مانند موفقیت خواهر و برادر، کمک آنان و ازدواج آنان و تجارب ناشاد مانند شکست‌ها یا مشکلات خانوادگی را برای آنان فراهم کرده بودند که به نظر می‌رسد برخی از آن‌ها به طور مستقیم و برخی دیگر به شکل غیر مستقیم و نیابتی بر رشد و خزانه دانش و مهارت آنان اثر گذاشته‌اند و به رشد آنان کمک کرده‌اند این یافته با یافته‌ی آلفارو، وایمر و کاستیلو (۲۰۱۸) که نشان دادند در رشد تحصیلی افراد خواهران و برادران نقش دارند همسو و با یافته هاورن (۲۰۱۹) که نشان دادند خواهران بزرگ‌تر در رشد کلامی فرزندان مؤثر است همسو است. مقوله‌ی هسته‌ای دیگر در تربیت این زنان، سبک همسالان این زنان بود علت انتخاب این عنوان آن بود که این زنان طی دوره رشد همسالانی داشتند که در رشد روانی و موفقیت آنان در آینده نقش داشتند که شامل مقوله‌های سازمان‌دهنده وضعیت روانی همسالان، وضعیت مالی همسالان و وضعیت اجتماعی همسالان می‌شد. مقوله‌ی سازمان‌دهنده وضعیت روانی همسالان شامل مقوله‌های پایه‌ای زیر بود: شاد بودن «دوستام شاد بودند افسرده نبودند امیدوار بودند و سرحال» پرتلاش بودن «دوستان درسخونی داشتم و همه تلاش میکردند با برنامه بودند حتی تابستونا» موفق در پیشرفت

تحصیلی «من مدرسه خوبی می‌رفتم طبیعتاً اکثر اونا درسخون بودند و خوب منم آرزوی موفقیت پیدا کردم»؛ مقوله‌ی سازمان‌دهنده وضعیت مادی همسالان نشان داد این زنان همسالانی داشته‌اند که وضعیت مالی آنان بر حس رقابت آنان مؤثر بوده است و شامل این مقوله‌های پایه‌ای بود: پولدار بودن خانواده‌های همسالان «خانواده دوستام خیلی پولدار بودن خرید همه چیز برام دردوسر بود چیزهایی می‌خوردند که من فقط زیر چشمی نگاه میکردم» داشتن وسایل زندگی بهتر «همه پدر و مادر همکلاسیام ماشین داشتند به جز پدر من، گاهی اونا مسخرم میکردن که بابات یه دوچرخه هم نداره» تغذیه بهتر همسالان «دوستان من تغذیه خوبی داشتند در مدرسه میتونستن ساندویچ بخورن ولی من معمولاً لقمه‌ای را می‌خوردم که مامانم می‌داشت» مقوله سازمان‌دهنده دیگر وضعیت اجتماعی همسالان بود که شامل این مقوله‌های پایه‌ای بود: پایین‌دستی متوسط همسالان به ارزشها «تو کلاس ما همه تا حدودی به ارزش‌ها پایبند بودند البته بعضیام خیلی مومن بودند و بعضیها هم حتی دوست پسر داشتند ولی در کل افرادی بودند که مقید بودن و خانواده‌ها روی رفتاراشون نظارت داشتند» داشتن همسالان طردکننده به علت شرایط مالی «ببینید من پدرم کارمند بود و اونا وضع خوبی داشتند برای همین من را خیلی در جمع خودشون نمی‌پذیرفتند چون اشتراکاتی داشتند که من توش جا نمیشدم البته همین تجارب باعث شد من در مسیر موفقیت محکم‌تر بشم». با توجه به این یافته‌ها به نظر می‌رسد همسالان این افراد به گونه‌ای بودند که روحیه پیشرفت و پر کردن خلاءهای زندگی‌شان را در ذهن آنان برجسته کرده‌اند همچنین آنان الگوهای خوبی برای آنان جهت پیشرفت و رشد و رقابت بوده‌اند؛ این یافته پژوهشی با یافته بلک-ویل (۲۰۱۸) که قدرت همسالان بر رفتارهای نوجوانان را نشان داد و همچنین با یافته وانگ، کیوریو، دیگل و سالملا-آرو (۲۰۱۸) در زمینه اثر همسالان بر موفقیت جوانان همسو است.

با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت برای تربیت زنان موفق در آینده گرچه لازم نیست همه امکانات در سبک زندگی فراهم باشد اما حداقل امکاناتی نیاز است که فرزندان اضطراب مربوط به امکانات را نداشته باشند؛ همچنین به نظر می‌رسد حضور همشیرها در زندگی فرزندان می‌تواند تجارب بی‌بدیلی را فراهم نماید که در موفقیت دختران مؤثر است بنابراین تک فرزندی مانع بزرگی در تجربه چنین رویدادهای مهمی است؛ ویژگی‌های والدین سازه مهم دیگری در این مسیر بود که نشان می‌داد این والدین در نوع خودشان عامل به رفتارها و برخوردار از صفاتی بوده‌اند که برای فرزندان خویش الگوگیری مثبت را فراهم کرده‌اند همچنین با توجه به این نتایج می‌توان گفت همسالان نه تنها بر زمان حال فرزندان نقش پررنگی دارند بلکه در جهت دهی به زندگی آنان عامل مهمی به حساب می‌آیند پس در انتخاب مدرسه و محیط زندگی ضرورت دارد تا والدین به دنبال بهترین فضاها برای تحصیل و زندگی فرزندان‌شان باشند. این پژوهش نیز همچون سایر پژوهش‌ها محدودیت‌هایی داشت از جمله این که چگونگی اثر عوامل بر هم به علت روش پژوهش مشخص نیست؛ همچنین تنها منبع گردآوری اطلاعات زنان موفق بوده‌اند در حالیکه چنانچه مادران آنان نیز مورد مصاحبه قرار می‌گرفتند اطلاعات دقیق‌تری حاصل می‌شد.

قدردانی و سپاسگزاری

بدین وسیله از کلیه کسانی که ما را در انجام پژوهش یاری کردند سپاسگزاریم.

تعارض منافع

این پژوهش هیچگونه حمایت مالی نداشته است و مستخرج از پایان نامه دکتری دانشگاه آزاد اصفهان (خوراسگان) است.

منابع

- خلیل الرحمن، الهه، یوسفی، زهرا. (۱۳۹۸). روابط چندگانه روان بنه های سازش نایافته اولیه، روابط خانوادگی، و شخصیت مادر با ناگویی هیجانی کودکان دبستانی. فصلنامه سلامت روان کودک، ۶(۱): ۱۲۴-۱۳۷.
- دانشمند خوراسگانی، مینا، یوسفی، زهرا. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش گروهی اصلاح سبک فرزندپروری بر اساس اصلاح طرح‌واره‌های ناسازگار به مادران بر بهبود مشکلات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۸(۴): ۶۲-۷۱.
- سعادت، ندره، یوسفی، زهرا، گل پرور، محسن. (۱۳۹۹). اثربخشی برنامه آموزش والدین به شیوه استپ (STEP) بر کیفیت روابط والد - فرزندی، خودکارآمدی والدگری و انعطاف‌پذیری شناختی مادران نوجوانان. فصلنامه علمی پژوهشی علوم روانشناختی، ۱۹(۹۴): ۱۳۱۹-۱۳۳۰.
- سلیمی سودرجانی، ماهره، یوسفی، زهرا. (۱۳۹۶). تأثیر آموزش سبک های والدگری مبتنی بر پذیرش و تعهد به مادران بر اضطراب جدایی و نافرمانی کودکان. فصلنامه سلامت روان کودک، ۴(۲): ۱۰۴-۱۱۵.
- مرادی، حبیبه، یوسفی، زهرا. (۱۳۹۶). پیش‌بینی عملکرد اجرایی دختران دبستانی بر اساس ویژگی‌های سیستمی خانواده (مثلث‌سازی و مرزها) و مشارکت پدران. مطالعات پیش دبستان و دبستان، ۲(۸): ۹۳-۱۱۰.

References

- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *The journal of early adolescence*, 11(1), 56-95.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101.
- Braun, V., Clarke, V., & Hayfield, N. (2019). 'A starting point for your journey, not a map': Nikki Hayfield in conversation with Virginia Braun and Victoria Clarke about thematic analysis. *Qualitative Research in Psychology*, 1-22.
- Burdick-Will, J. (2018). Neighborhood violence, peer effects, and academic achievement in Chicago. *Sociology of education*, 91(3), 205-223.
- Chapple, A., & Ziebland, S. (2018). Challenging explanations for the lack of senior women in science? Reflections from successful women scientists at an elite British University. *International Journal of Gender, Science and Technology*, 9(3), 298-315.
- Ching, K. H., & Tak, L. M. (2017). The structural model in parenting style, attachment style, self-regulation and self-esteem for smartphone addiction. *IAFOR Journal of Psychology & the Behavioral Sciences*, 3(1), 85-103.
- Feldman, E. R. (2021). The corporate parenting advantage, Revisited. *Strategic Management Journal*, 42(1), 114-143.
- Gafor, A. (2014). Construction and Validation of Scale of Parenting Style. *Online Submission*, 2(4), 315-323.
- Garcia, F., & Gracia, E. (2009). Is always authoritative the optimum parenting style? Evidence from Spanish families. *Adolescence*, 44(173), 101-131.

- Garcia, O. F., Lopez-Fernandez, O., & Serra, E. (2021). Raising Spanish children with an antisocial tendency: Do we know what the optimal parenting style is? *Journal of interpersonal violence*, 36(13-14), 6117-6144.
- Gioia, D. (2021). A systematic methodology for doing qualitative research. *The Journal of Applied Behavioral Science*, 57(1), 20-29.
- Guo, X., Lv, B., Zhou, H., Liu, C., Liu, J., Jiang, K., & Luo, L. (2018). Gender differences in how family income and parental education relate to reading achievement in China: The mediating role of parental expectation and parental involvement. *Frontiers in psychology*, 9, 783.
- Havron, N., Ramus, F., Heude, B., Forhan, A., Cristia, A., Peyre, H., & EDEN Mother-Child Cohort Study Group. (2019). The effect of older siblings on language development as a function of age difference and sex. *Psychological Science*, 30(9), 1333-1343.
- Jermstiparsert, K. (2020). Factors of Successful Women Leadership in Asian: Moderating Role of Political Differences and Organization Culture. In *Agile Business Leadership Methods for Industry 4.0*. Emerald Publishing Limited.
- Jonyniene, J., Kern, R.M., & Gfroerer, K.P. (2015). Efficacy of Lithuanian Systematic Training for Effective Parenting (STEP) on Parenting Style and Perception of Child Behavior. *The Family Journal*, 23(4), 392-406.
- Kumalasari, R. D., Lukiyanto, K., & Purnomo, A. (2021). External Factors Motivating Successful Women Entrepreneurs: A Study of Women Entrepreneurs Community in A Rural Area. *PalArch's Journal of Archaeology of Egypt/Egyptology*, 18(1), 518-526.
- Kuppens, S., & Ceulemans, E. (2019). Parenting styles: A closer look at a well-known concept. *Journal of child and family studies*, 28(1), 168-181.
- Langner, L. A. (2018). Flexible men and successful women: The effects of flexible working hours on German couples' wages. *Work, employment and society*, 32(4), 687-706.
- Mackenzie, A., & Roberts, C. (2017). Adopting neuroscience: Parenting and affective indeterminacy. *Body & Society*, 23(3), 130-155.
- Pansrithong, N., & Leksansern, A. (2020). The Guidelines for Implementing Happy Secondary School in Thailand. *Psychology and Education Journal*, 57(7), 537-541.
- Top, N., Liew, J., & Luo, W. (2017). Family and school influences on youths' behavioral and academic outcomes: Cross-level interactions between parental monitoring and character development curriculum. *The Journal of genetic psychology*, 178(2), 108-118.
- Seligman, M. E. (2007). *The optimistic child: A proven program to safeguard children against depression and build lifelong resilience*. Houghton Mifflin Harcourt.
- Suth, A. (2014). Brain-based parenting: The neuroscience of caregiving for healthy attachment. *Journal of Marital and Family Therapy*, 40(3), 404.
- Vaismoradi, M., Turunen, H., & Bondas, T. (2013). Content analysis and thematic analysis: Implications for conducting a qualitative descriptive study. *Nursing & health sciences*, 15(3), 398-405.
- Wall, G. (2018). 'Love builds brains': representations of attachment and children's brain development in parenting education material. *Sociology of health & illness*, 40(3), 395-409.
- Wang, M. T., Kiuru, N., Degol, J. L., & Salmela-Aro, K. (2018). Friends, academic achievement, and school engagement during adolescence: A social network approach to peer influence and selection effects. *Learning and Instruction*, 58, 148-160.
- Zeb, A. (2018). Determinants of successful women entrepreneurship in Pakistan. *Abasyn University Journal of Social Sciences*, 11(1).

Identifying the educational components of successful women: A sample of qualitative research

Akram. Sadeghidehkordi¹, Zahra. Yousefi *² & Hajar. Torkan³

Abstract

Aim: The purpose of this study is to explore the educational components of successful women. **Methods:** This study was performed by qualitative method and content analysis method (Clark and Brown, 2006). The purposive sampling method was heterogeneous 20 so that 11 successful women were selected based on entry and exit criteria and interviewed. The research tool was a semi-structured interview. **Results:** The collected data were analyzed using content analysis method (Clark and Brown, 2006). The five main categories were family lifestyle (with subcategories of residence, recreation, communication, nutrition, sleep patterns and clothing), experiences of siblings (with subcategories of happy experiences and unhappy experiences of siblings), characteristics of parents (with the subcategories of model features and model characteristics, parental educational axes (with subcategories educational emphases and educational methods) and peer style (with subcategories of peers' mental status, peers' material status and peers' social status). **Conclusion:** According to these results, it can be said that in the educational path of successful women, components have occurred that have helped them to move towards success.

Keywords: educational components, successful women, content analysis

1. PhD student, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

2. *Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Psychology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran Z.yousefi1393@khuif.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Psychology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran